

کفایۃ الطب



ابو فضل حبیبش التفلیسی
www.ketab.ir

مقدمه، تصحیح و تعلیقات

زهرا پارساپور



پژوهشگاه ملی اسناد و کتابخانه ملی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی



Tiflīsī, Ḥubaysh ibn Ibrāhīm, - ۶۲۹ق.

کفایہ الطب / ابو الفضل حبیبش التفلیسی: مقدمہ، تصحیح و تعلیقات زہرا یار ساہور.

تهران : سفیر اردهال: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴ -

ج: ۲۲×۲۹ سم.

دواء و درمان در روزگاران کهن؛ ۶۶.

انتشارات سفر اردھال؛ ۸۹۲

۲-۹۰۲-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸ دوره : ۴۸۰۰۰۰۰ ریال:

٩٧٨-٦٠٠-٢١٣-٩٠٤-٦: ٢.ج

فيا

فهرست نویسی بر اساس جلد دوم، ۱۴۰۰.

چاپ قبلی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
کتابنامه.

پزشکی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Medicine -- Early works to 20th century

بزشکی سنتی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Traditional medicine -- Early works to 20th century

پارسایور، زہرا، ۱۳۴۴ -، مقدمہ نویس، مصحح

یژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Institute for Humanities and Cultural Studies

R12A/2

٤١٠/٩١٧٤٧١

AFIFACW

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شاہکی

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



انتشارات سفیر اردهال



کفایة الطب

ابولفضل حبیبش التفلیسی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات: لاهریا پارساپور

این اثر با همکاری نشر سفیر اردهال و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تولید شده است
شماره جلد اول: ۹-۹۰۳-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸ شابک دوره: ۲-۹۰۲-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸

لینوگرافی: نویس	چاپ: عترت	صحافی: مشعر
نوبت چاپ: اول-۱۴۰۰	شمارگان: ۵۵۰ نسخه	
شماره نشر: ۱-۸۹۲	قیمت دوره: ۴/۸۰۰/۰۰۰ ریال	
مدیر انتشارات: یدالله رفیعی	مدیر تولید و نظارت: سیدمحمد حسین محمدی	
مسئول فنی: احسان بهار دوست	حروفچین و صفحه آرا: شهرام محمدی، شهره خوری، منصور عیوضی اینانلو	
نشانی دفتر: تهران، خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبه روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴	کد پستی: ۷۴۷۱۵-۱۵۸۱۸	
تلفن مرکز پخش: ۸۸۳۱۹۳۴۲-۸۸۳۱۳۸۹۸		
© حق چاپ: ۱۴۰۰	e-mail: safirardehal@yahoo.com	www.safirardehal.ir

نشانی فروشگاه پژوهشگاه علوم انسانی: خیابان کریم خان زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶

همه حقوق برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستند نویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

پیشگفتار استاد دکتر محمد مهدی اصفهانی.....	سیزده
پیشگفتار مصحح.....	هفده
شخصیت و آثار حبیش التفلیسی.....	بیست و یک
محتوای کفایه الطب.....	بیست و دو
ساختار کفایه الطب.....	بیست و سه
آثار دیگر حبیش التفلیسی.....	بیست و چهار
معرفی نسخه ها.....	بیست و هشت
روش تصحیح متن.....	سی و یک
ویژگی های سبکی نسخه A.....	سی و سه
نکات دستوری.....	سی و سه
نکات نگارشی و املائی نسخه A.....	سی و چهار
علائم نگارشی.....	سی و شش
چند تصویر و نمایه از نسخه A.....	چهل
کتاب اول	
دییاجه.....	۱
فهرست مطالب.....	۳
در آموختن علم طب و فضیلت آن.....	۱۳
دانستن حد طب و قسمت هایش.....	۱۵
اندر شناختن مزاج و طبیعت.....	۱۶
در شناختن آمیزش های تن و طبع و منفعتشان.....	۱۷
در شناختن تن مردم و آفرینش وی.....	۱۸
پیدا کردن پنج حواس مردم.....	۳۰
نگاه داشتن تن درستی را.....	۳۰
و اما طعام خوردن را.....	۳۱
و اما خفتن و بیداری را.....	۳۳
و اما طبع را نرم داشتن.....	۳۳
و اما جماع را.....	۳۳
و اما تن مالیدن را.....	۳۴
و آهک کردن را.....	۳۴
و اما ریاضت کردن را.....	۳۴
و اما قی کردن را.....	۳۵
و اما دارو خوردن را.....	۳۵
و اما رگ زدن را.....	۳۶
و اما حجامت کردن را.....	۳۷
و اما دیوجه برنهادن را.....	۳۷
اما تدبیر سفر کردن را.....	۳۸
اما به کشتی نشستن را.....	۳۸
اما نگاه داشتن فرزند خرد.....	۳۸
در شناختن علم مجسه.....	۴۰

- در شناختن آب تاختن ۴۲
- و اما شناختن غایط ۴۵
- در شناختن بحران بیمار و عرق آمدن ۴۶
- علامت‌های شفا و خطر بیماری ۴۸
- نشان مقدمات بیماری ها ۴۹
- باب اندر شناختن حال هواها و شهرها ۵۰
- دانستن گردش چهار فصل ۵۲
- یاد کردن دردهای مغز و سر**
- در کلام کلی در علت‌های چیرگی و فساد آمیزش‌های تن و علامت‌های آن ۵۴
- سبوسه سر که به تازی او را حزاز خوانند ۵۶
- ریش‌های سر که به تازی آن را سعه خوانند ۵۷
- اندر موی ریختن سر که اصلی خوانند ۵۸
- اندر شکافتن موی و بی هنگام سپید شدن ۵۹
- داء الثعلب و داء الحیه که هر دو علت از یک نوع بود ۶۰
- درد سر که از گرمی بود یا از سردی ۶۱
- درد سر که از تری باشد یا از خشکی ۶۲
- درد سر که از خون باشد یا از بلغم ۶۳
- درد سر که از صفرا باشد یا از سودا ۶۴
- درد سر که از بادهای سرد باشد یا گرم ۶۵
- درد سر که از آماس پرده‌های مغز باشد ۶۶
- درد سر که به تازی او را بیضه خوانند ۶۷
- درد سر که از زخمی باشد یا از استفراغ یا از بوی ها ۶۸
- درد سر که از خمار سیکی باشد یا از بحران بیماری ۶۹
- درد سر که از گرمی یا از سستی معده بود ۷۰
- درد سر کز گرمی بود یا از سردی ۷۱
- سرگشتن که به تازی دوار خوانند ۷۲
- سَدَر که از گرمی باشد یا از سردی ۷۳
- سرسام که از گرمی باشد یا از سردی ۷۴
- عَلَت سَبَات و سَبَاتی که سَهَری خوانند ۷۵
- شخص و جمود و این هر دو علت از سردی باشد ۷۶
- اندر مالیخولیا که به پارسی دیوانگی خوانند ۷۷
- قطرب و مانیا ۷۸
- اندر بی‌خوابی و وسوسه بسیار ۷۹
- عشق و سواسی بود که به دیوانگی ماند ۸۰
- اندر فراموشی و یاد نداشتن ۸۱
- کابوس که به خواب اندر گیرد ۸۲
- باد افکندن که به تازی آن را صرع خوانند ۸۳
- باد افکندن که از سودا یا از بادهای سرد بود ۸۴
- اندر علت سکت که ناگهان بگیرد ۸۵
- تالچ از دو گونه بود یا از زخم یا از بلغم ۸۶
- سستی اندام‌ها که به تازی استرخا خوانند ۸۷
- خفتگی اندام که به تازی آن را خُدر خوانند ۸۸
- کُز شدن روی که به تازی آن را لقوه خوانند ۸۹
- تشنج آن باشد که اندام چون چوب خشک باشد ۹۰
- کزاز و امتداد هر دو نوعی باشد از تشنج ۹۱
- لرزه اندام که آن را به تازی رعشه خوانند ۹۲
- یاد کردن درد چشم و پلک‌هایش**
- گر و خارش که در برک چشم افتد ۹۳
- برد و تحجر و شعیره هر سه علت در برک چشم افتد ۹۴
- اندر شتره [و] گرفتن برک چشم بر یکدیگر ۹۵
- سعه و وَرَدینه و افزونی مژه ریختن او ۹۶
- کمنه و توتّه و مژه ریختن ۹۷
- سَلَع و شَرَناق و سَلَق هر سه علت در برک چشم افتد ۹۸

- غده و غُرب و شُبُش و قُمقام که در مژه افتد..... ۹۹
- درد چشم از چیرگی خون باشد یا بلغم..... ۱۰۰
- درد چشم کز چیرگی صفرا بود یا سودا..... ۱۰۱
- طرفه و ناخنه چشم و طرفه زخمی باشد که بر چشم آید..... ۱۰۲
- ریشهای چشم و دمیدگیها که آن را بثور خوانند..... ۱۰۳
- سبل و آب دویدن از چشم که آن را دمع خوانند..... ۱۰۴
- آبله و دَقَه چشم و سپیدی که در دیده افتد..... ۱۰۵
- سرطان و دبيله و ریم که از پس پرده دوم بود..... ۱۰۶
- بیرون خاستگی چشم یا به تمامی یا به اندکی از وی..... ۱۰۷
- فراخ و تنگ شدن سوراخ چشم..... ۱۰۸
- انتشار به تازی فراخ شدن دیده را خوانند..... ۱۰۹
- ضعیفی دیدار کز گرمی باشد یا از سردی..... ۱۱۰
- آغاز فرو آمدن آب اندر چشم..... ۱۱۱
- اندر شب کوری و روز کوری..... ۱۱۲
- یاد کردن دردهای گوش و بینی**
- درد گوش که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۱۳
- دمیدگی گوش و آماس که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۱۴
- آب که اندر گوش باشد یا جسد..... ۱۱۵
- ریشهای گوش و خون و ریم آمدن از وی..... ۱۱۶
- بانگ آمدن از گوش و بادها که اندرو باشد..... ۱۱۷
- کری و گرانی گوش که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۱۸
- ریش های بینی و دمیدگیها که اندرو باشد..... ۱۱۹
- بوی نایافتن بینی که از گرمی بود یا از سردی..... ۱۲۰
- گند بینی و ناصور که اندرو باشد..... ۱۲۱
- اندر خون آمدن از بینی..... ۱۲۲
- ز کام و نزله که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۲۳
- یاد کردن درد دهان و دندان**
- دمیدگی و شکافتن لب و آماس و باسور که اندرو باشد..... ۱۲۴
- درد دندان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۲۵
- خوردگی دندان و جنبیدن و اقتادن بی سببی..... ۱۲۶
- کند شدن و خون آمدن از بن دندان و سیاهی وی..... ۱۲۷
- آماس گوشت دندان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۲۸
- درد دهان و دمیدگیها که اندر وی پدید آید..... ۱۲۹
- بوی گند دهان که به تازی ابخر خوانند..... ۱۳۰
- آب رفتن از دهان به وقت خفتگی..... ۱۳۱
- آماس زبان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۳۲
- دمیدگی زبان که به تازی آن را قلاع خوانند..... ۱۳۳
- چاشنی زبان که از طبع بگردد آن را تَغیر الذوق گویند..... ۱۳۴
- ریشی زبان و گرانی و سستی اندر وی..... ۱۳۵
- کام فرود آمدن که از گرمی یا از سردی بود..... ۱۳۶
- آماس کام فرود آمدن دو بادامه که به تازی لوزتین گویند..... ۱۳۷
- یاد کردن دردهای سینه، گلو و شش**
- آماس گلو که به تازی خناق خوانند..... ۱۳۸
- درد گلو که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۳۹
- دیوچه یا استخوان که اندر گلو بماند..... ۱۴۰
- خون آمدن از قلوبا آن که باقی بماند..... ۱۴۱
- سرفه که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۴۲
- سرفه که از تری باشد یا از خشکی..... ۱۴۳
- رَبو که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۴۴
- آماس شش که آن را به تازی ذات الریه خوانند..... ۱۴۵
- ریش شدن شش که آن را به تازی سل خوانند..... ۱۴۶
- یاد کردن درد پهلوی و دل**
- آماس پهلوی که آن را ذات الجنب خوانند..... ۱۴۷
- برسام که عرب آن را شوصه خواند..... ۱۴۸

- درد دل که از گرمی و خشکی باشد یا از تری و سردی ۱۴۹
- کوبه دل که عرب آن را خفقان خوانند ۱۵۰
- بیهوش شدن که آن را به تازی غشی خوانند ۱۵۱
- یاد کردن درد معده**

- ناگواری طعام که از گرمی باشد یا از سردی ۱۵۲
- بدگواری و ضعف معده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۵۳
- طعام آرزو ناکردن که از جهت معده باشد ۱۵۴
- طعام آرزو ناکردن که از جهت خلطی بود که در معده گرد آید ۱۵۵

- سیر ناشدن طعام که آن را شهوت کلبیه خوانند ۱۵۶
- گل خوردن و گج و شوره دیوار و کلوخ ۱۵۷
- جستن دهن معده که آن را وجع الفواد خوانند ۱۵۸
- تشنگی و آب خوردن بسیار ۱۵۹

- هیضه و برجیه که آن را به تازی تخمه خوانند ۱۶۰
- درب شکم رفتنی باشد که دراز کشد ۱۶۱
- زلق الامعا و زلق المعده هر دو شکم رفتن بود ۱۶۲
- ممنش گشتن که آن را به تازی غشیان خوانند ۱۶۳

- اندر خون برآوردن از معده ۱۶۴
- قی کردن تنها که بی شکم رفتن باشد ۱۶۵
- آروغ بسیار که اندر معده افتد ۱۶۶
- اندر فواق که به پارسی زغند خوانند ۱۶۷

- درد معده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۶۸
- آماس معده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۶۹
- ریشی معده و خون یا شیر که اندر معده فسرده باشد ۱۷۰
- خیوانداختن بسیار و تری کاندر دهن گرد آید ۱۷۱

- درد جگر که از گرمی باشد یا سردی باشد ۱۷۲
- یاد کردن درد جگر و سپرز**
- آماس جگر که از گرمی باشد یا از سردی ۱۷۳

- آماس جگر که از [بستگی] راه های او باشد یا از بلغم سطر یا لیز ۱۷۴
- استسقا که به پارسی وی را آماس شکم خوانند ۱۷۵
- استسقای لحمی و آنچه از پس گرمی با تب باشد ۱۷۶
- زریر زرد و سیاه که به تازی وی را یرقان خوانند ۱۷۷

- درد سپرز که از گرمی باشد یا از سردی ۱۷۸
- آماس سپرز که از گرمی باشد یا از سردی ۱۷۹
- خون آمدن از شکم که از جگر باشد و او را دوسنطاریا گویند ۱۸۰
- یاد کردن درد روده و مقعد**

- خون آمدن از شکم کز ریشی روده بود و او را سحج خوانند ۱۸۱
- زحیر که از گرمی باشد یا از سردی ۱۸۲
- مَغَض علتی بود که روده را همی گزد به دروغی ۱۸۳
- قولنج دردی باشد در روده قولن ۱۸۴

- ایلاوس نوعی باشد از قولنج و او را ربّ ارحم خوانند ۱۸۵
- کرم دراز و خرد و کدو دانه ۱۸۶
- باسور ۱۸۷
- ناصر یا کوفتگی که در مقعد باشد ۱۸۸

- ریشی مقعد یا سر رگی درو گشاده ۱۸۹
- آماس مقعد و سستی و بیرون آمدن و خارش وی ۱۹۰
- یاد کردن درد گرده و مثانه**

- درد گرده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۹۱
- آماس گرده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۹۲
- ریشی گرده و خون و ریم آمدن از سر قضیب ۱۹۳
- سنگ باریک که اندر گرده باشد ۱۹۴

- چکیدن آب تاختن که به تازی سلس البول خوانند ۱۹۵
- بستگی آب تاختن که به تازی عسر البول خوانند ۱۹۶
- بیرون آمدن آب تاختن بی خواست مردم ۱۹۷
- آماس مثانه که از گرمی باشد و یا از سردی ۱۹۸

- درد پیوندهایی که به تازی وجع المفاصل خوانند..... ۲۲۳
 درد نفرس که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۲۴
 دوالی و داء الفیل هر دو علت در پای افتد..... ۲۲۵
 شکافتگی دست و پای و سرمازدگی..... ۲۲۶
 ناخن خوار و رشته کز پای بیرون آید..... ۲۲۷

یاد کردن علتها که بیرون پوست تن پدید آید

- در کلف و برش و نمش و کنجده..... ۲۲۸
 قوبا و توتو و شیرینه که به تازی وی را شری خوانند..... ۲۲۹
 گر تر و خشک و خارش که اندر تن پدید آید..... ۲۳۰
 خوی آمدن بسیار از تن و نامدن وی..... ۲۳۱
 شپش و رشک و قمقام که اندر بن موی افتد..... ۲۳۲
 پیسی و بهق سپید و سیاه که به پارسی وی را خون آزمای خوانند..... ۲۳۳
 آتش پارسی و دمیگی که به تازی بنور خوانند..... ۲۳۴
 گندمه که به تازی وی را ثالول خوانند و مردری که وی را حصف خوانند..... ۲۳۵
 آبله را به تازی جلدی خوانند و سرخیجه..... ۲۳۶
 جمره آماسی بود و خوره ریشی باشد که اندام را خورد..... ۲۳۷
 جذام دو نوع باشد یا از صفرای سوخته بود یا از سودای تیز..... ۲۳۸
 تباهی گونه و تیرگی روی کز آفتاب و باد بود..... ۲۳۹

در آماسها که بیرون تن باشد

- آماس گرم که از خون باشد یا از صفرا..... ۲۴۰
 آماس سرد که از بلغم باشد یا از سودا..... ۲۴۱
 سرطان دو گونه باشد یکی سخت بود و یکی ریش..... ۲۴۲
 خوک و سلع که اندر اندام پدید آید..... ۲۴۳
 طاعون و دیبله که در اندام پدید آید..... ۲۴۴
 دنبل و گاورسه و بادابله که اندر تن پدید آید..... ۲۴۵

یادکردن تبهای گرم و سرد

- ریشی مئانه و سنگ اندر وی..... ۱۹۹
یاد کردن درد قضیب

- برخاستن قضیب بی شهوت جماع..... ۲۰۰
 سستی قضیب و بیرون آمدن آب پشت بی لذتی..... ۲۰۱
 آماس قضیب که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۰۲
 سوختن قضیب که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۰۳
 آرزو نا کردن جماع کز گرمی باشد یا از سردی..... ۲۰۴
 آماس خایه که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۰۵
 باد فتق که اندر زهار باشد یا در خایه..... ۲۰۶

یاد کردن درد زهدان و پستان

- بستگی زهدان که او را اختناق الرحم خوانند و او مانند صرع بود..... ۲۰۷
 گشادن حیض که به تازی وی را نرف خوانند..... ۲۰۸
 باز بستن حیض که به تازی وی را احتباس الطمث خوانند..... ۲۰۹
 آماس زهدان کز گرمی باشد یا از سردی..... ۲۱۰
 ریشی زهدان و سرطان که اندر وی بود..... ۲۱۱
 دمیگی باصور که اندر زهدان بود..... ۲۱۲
 رجا علتی بود زنان را که پندارند که در شکم بار دارند..... ۲۱۳
 بیرون آمدن زهدان و کژ شدن و تری آمدن از وی..... ۲۱۴
 کودک افتادن و بادهایی که اندر زهدان باشد..... ۲۱۵
 بار ناگرفتن و فرزند نامدن کز جهت مرد باشد یا زن..... ۲۱۶
 دشوار زادن و بیرون آوردن مشیمه و فرزند که در شکم بمیرد..... ۲۱۷
 آماس پستان کز گرمی باشد یا از سردی..... ۲۱۸
 درد پستان و شیر که اندر وی ببندد..... ۲۱۹
یادکردن علتهای پشت و پای و ساق
 درد پشت و میان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۲۰
 گوژی که به تازی وی را حذب خوانند..... ۲۲۱
 عرق النساء آن باشد که از بیرون ران تا کعب درد کند..... ۲۲۲